

برگزاری بزرگداشت هوشنگ کشاورز صدر در سوئد

زهرا باقری شاد

✖ مراسم بزرگداشت امیر هوشنگ کشاورز صدر، چهره برجسته جنبش آزادی خواهی ایران روز یکشنبه ۲۴ فوریه سال جاری در استکهلم برگزار شد. در این مراسم که به همت تعدادی از یاران و دوستان نزدیک کشاورز صدر برگزار شده بود تعداد قابل توجهی از فعالان جمهوری خواه از طیف های گوناگون ملی، چپ دمکرات و دین باوران عرفی شرکت کرده بودند. همچنین در این مراسم تعدادی از فعالان فرهنگی و هنری و اجتماعی شهر استکهلم حضور داشتند.

✖ علیرضا مجلل، چهره سرشناس تئاتر ایران که اداره این برنامه را بر عهده داشت در ابتدای مراسم از هوشنگ کشاورز صدر به عنوان یکی از برجسته ترین چهره های جنبش آزادی خواهی تجلیل کرد و گفت: "روز عشاق و عشق بود که اسطوره عشق به "انسانیت و وطن از میان برخاست و به ملکوت اعلی پیوست.

علی شاهنده، حقوقدان و عضو سابق هیات مدیره کانون وکلای ایران، ✖ نخستین سخنران مراسم بزرگداشت کشاورز صدر با اشاره به آشنایی دیرینه با کشاورز صدر از ویژگی های اخلاقی او یاد کرد و گفت: "هوشنگ را از ایران نمی شناختم. پدرش از نامداران جبهه ملی بود و از یاران باوفای مصدق. در آن زمان که با هوشنگ برخورد داشتیم در خارج از ایران بود. اینجا "قلب هایمان همدیگر را پیدا کردند و دستهایمان همدیگر را فشردند و دوستی ما هربار استوارتر شد.

او هوشنگ کشاورز را از جنبه اجتماعی و علمی از مردم شناسان و پژوهشگران برجسته در امور عشایری ایران دانست و افزود: "این مساله از چند جنبه قابل توجه است. یکی از این جنبه ها توجه و وابستگی ذهنی هوشنگ به زندگی فرد فرد مردم جامعه ایران بود. دوم معرف آگاهی بیشتر او بود از آنچه که در اعماق جامعه بر مردم می گذشت و صلاحیت او در تشخیص مشکلات و "جستجوی راه های تامین رفاه و امنیت مردم و پیشگیری از دخالت بیگانگان در این مسیر.

شاهنده در ادامه از ویژگی های شخصیتی هوشنگ کشاورز سخن گفت و توضیح داد: "هوشنگ از نظر شخصیتی انسانی بود نجیب، شریف، محبوب، خونگرم، صمیمی، مهربان و بی هیچ تظاهر. با تمام وجود دمکرات بود،

از اصول مورد اعتقاد خود عبور نمی کرد، با مخالف خودش دشمن نبود بلکه در پی توافق بود، با سازمان ها و شاخه های گوناگون چپ دوستی و بحث و گفتگو داشت. اما در برخورد با دوز و کلک برمی آشفت و چون شیر می غرید. در تحمل مشکلات صبور بود، با دل خونین لب خندان داشت حتی در شرایط سخت و با وجود داشتن بیماری دشوار، شمع هر انجمن بود. چنان زنده دل و صبور بود که وقتی چهره خندان او را می دیدی باور نمی کردی در بیماری نشسته است."

به گفته شاهنده، کشاورز صدر یکی از فعالان جنبش دانشجویی در زمان دانشجویی اش بود. در دوران نهضت ملی به صفوف آن پیوست و همراه با پیروان مصدق در جبهه ملی در راه آرمان های ملی مبارزه کرد.

عضو سابق هیات مدیره کانون وکلای ایران در ادامه سخنان خود به تابوهای مهمی که کشاورز صدر از آنها عبور نمی کرد اشاره کرد و گفت: "یکی از تابوهای مهم کشاورز صدر، حفظ حرمت پناهندگی سیاسی بود. او حاضر نبود از این عنوان صرف نظر کند. معتقد بود پناهندگی سیاسی هویت خاصی است و وظایفی به آن تعلق می گیرد و اعتبار تداوم مبارزه را برای بازگشت به وطن همچنان حفظ می کند. دومین مساله ای که کشاورز صدر آن را همچون یک باور حفظ می کرد استقلال و یکپارچگی ایران "بود. سومین تابوی او آزادی بود؛ بر همین اساس او در برابر توطئه های ضد استقلال و آزادی، مبارزه های بی پروا داشت.

منوچهر تقوی بیات، از فعالان نهضت ملی و از دیگر سخنرانان مراسم بزرگداشت هوشنگ کشاورز نیز با اشاره به خوشنام بودن پدر هوشنگ کشاورز و سابقه همراهی اش با مصدق گفت: "با هوشنگ بیشتر از پنجاه سال دوست و هم‌رزم و همراه بودیم اما جز زندان و خون دل چیزی نصیب ما نشد. در این سی سال پایانی آوارگی زیاد همدیگر را ندیدیم. یکبار من به دیدارش رفتم و یکبار او به منزل من آمده است. بیشتر با تلفن با هم صحبت می کردیم. هر بار که یک مطلب تازه ای پیدا می کردیم به هم تلفن می زدیم. این اواخر مدتی بود دنبال هوشنگ می گشتم تا وقت پیدا کنم و کشف تازه ام را به او بگویم. اما نمی شد غیر از حال و احوال از چیز دیگری سخن گفت، چون بیماری اش اجازه نمی داد. می خواستم از نادانی خودم به او بگویم. اما نشد به او بگویم. می خواستم به او بگویم که به طور تجربی و واقعی به جایی رسیدم که فهمیده ام نادانم. پیش از این فکر می کردم این گفته ابوشکور بلخی یک تعارف است که گفته تا بدانجا رسید دانش من/ که بدانم همی که نادانم... اما یکی از این روزها که به سرنوشت خودمان فکر می کردم به این کشف رسیدم. خواستم بگویم هوشنگ جان ما برای این آواره شدیم که نادان بودیم. به جای هگل و مارکس و انگلس باید "اول از فردوسی شروع می کردیم و از او می آموختیم تا کشورمان را

از ما نمی گرفتند.

او در ادامه، هوشنگ کشاورز را یکی از بنیانگزاران جبهه ملی دوم عنوان کرد و افزود: "در سال های ۱۳۳۸ و ۳۹ که صدای گلوله های بعد از کودتای ۲۸ مرداد کمتر شده بود فرزندان آن دوره به میدان آمده بودند و کسی جلودارشان نبود. شعار مصدق پیروز است در خیابان ها و دانشگاه، پایه های تخت شاه را می لرزاند. در آن سالها هوشنگ کشاورز و عباس شیبانی و بیژن جزنی و فروهر و ... شب و روز به خانه سران جبهه ملی سابق می رفتند و با آنها حرف می زدند تا جبهه ملی را راه بیندازند و به جنبش ملی جان بدهند. این کار خیلی سخت بود اما بچه ها با پشتکار این کار را کردند و پیرمردهای ترسیده وشکست خورده را "واداشتند که فعالیت جبهه ملی را آغاز کنند.

تقوی بیات در صحبت هایش بر این مساله تاکید کرد که هوشنگ✖ کشاورز بعد از انقلاب می توانست پست بگیرد اما این کار را نکرد چون زیاد به دسته بندی های سیاسی علاقه نداشت.

در بخش دیگری از این مراسم؛ ناصر رحیم خانی، محقق و پژوهشگر تاریخ درباره سابقه تحصیلی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی هوشنگ کشاورز صدر سخن گفت و به شرح بسترهای سیاسی پرداخت که کشاورز صدر را به سمت فعالیت در راستای جنبش آزادیخواهی سوق دادند.

او همچنین با اشاره به فعالیت های پژوهشی هوشنگ کشاورز در عرصه اجتماعی افزود: "هوشنگ کشاورز مجموعه کارهای بسیاری را در زمینه شناخت مسائل روستایی و عشایری ایران انجام داده که فهرست این کارها بسیار طولانی است. این کارها را نه فقط در ایران بلکه در دهه ۵۰ و ۶۰ در خارج از کشور هم ادامه داد. در سال های ۶۴ و ۶۵ در پاریس مرکز اسناد پژوهشی ایران را تشکیل داد. یک موسسه بسیار گسترده ای که مجموعه ای از اسناد را در آن جمع آوری کردند شامل مجموعه آمار و اقتصاد و توسعه، اسناد جنبش مذهبی، جنبش چپ، گاهنامه ها و فصلنامه های منتشر شده در خارج از کشور... هوشنگ در زمینه شناخت جامعه ایران و مسائل روستایی و دگرگونی هایی که بعد از اصلاحات ارزی به وقوع پیوسته بود مثل بسیاری از افراد نسل دهه ۴۰ و ۵۰ دقت نظر داشت و می خواست بداند در آن دوره بر ایران چه گذشته است. امری که بعد از انقلاب در آن "با کمبود مواجه شدیم.

رحیم خانی به بازگویی برخی دیگر از فعالیت های پژوهشی هوشنگ✖ کشاورز پرداخت و گفت: "او دانشنامه سیاسی داریوش آشوری را در پاریس بازنشر کرد. سپس چهارمقاله را که همه در زمینه تجدد، ملیت و آزادی است از نویسندگان مختلف منتشر کرد. تجربه مصدق و چشم انداز آینده ایران شامل بیش از ۳۰ مقاله ارزنده از محققان دانشگاهی درباره مصدق نیز از جمله آثاری است که توسط هوشنگ

کشاورز منتشر شدند. هوشنگ کشاورز صدر هم در زمینه سیاسی و هم فرهنگی و اجتماعی جزء کسانی بود که باید به یادش باشیم و از او بیاموزیم. سیاست را از سال های ۳۰ به بعد شروع کرد. در دهه ۴۰ فعال جبهه ملی بود. پس از انقلاب هم در دوران بنی صدر به او معاونت وزارت کشاورزی پیشنهاد شد، به گونه ای که به صورت غیر مستقیم مشاور بنی صدر هم باشد. او بدون پذیرش مسئولیت و حقوق این وظایف را انجام داد. او در زمینه فعالیت های سیاسی وسعت حضور بود و ظرف حضور همگان".

✘ مهرداد درویش پور، جامعه شناس و استاد دانشگاه در سوئد، دیگر سخنران این مراسم بود که هوشنگ کشاورز صدر را یکی از نادر نخبگان سیاسی دانست که در طول زندگی اش از این بخت برخوردار بوده که مورد احترام همگان قرار گیرد. درویش پور گفت: "او شریف ترین شخصیت سیاسی است که در طول زندگی ام افتخار آشنایی و دوستی با او را یافته ام. نمونه رشک انگیزی از به قول اخوان ثالث، انسان "با جنب"، با عزت نفس، مثبت، انرژی زا، عاری از حسادت و بغض، پایبند به پرنسیب و تعهد سیاسی، گشاده رو و پر وقار بود. هوشنگ همزمان که مدارجو و اهل تفاهم و وحدت آفرینی بود، در دفاع از کرامت انسانی نیز آشتی ناپذیر بود. او یکی از محبوب ترین چهره های نهضت ملی بود که با ناسیونالیسم تند، فاصله داشت و روابطش با نیروهای چپ دمکرات بسیار حسنه بود. شخصیتی عمیقاً سکولار و لائیک که با دین باوران عرفی نیز روابطی بس نزدیک داشت".

درویش پور با بیان اینکه هوشنگ کشاورز، شتاب زدگی در سیاست را مهلک می خواند و حفظ پرنسیب های سیاسی را کاراتر از پراگماتیسم سیاسی می دانست، افزود: "گویا رقیب ناخوانده ماکیاول بود که به ما برداشت دیگری از سیاست می آموزد. هوشنگ بیش از آن که نماد محاسبه گری عقلانی در سیاست باشد، نماد شعر و اخلاق در سیاست بود که برتری رویاها و ارزش ها را بر واقعیت تلخ امروز نوید می دهد". این جامعه شناس در پایان سخنانش افزود: "به خاطر ندارم گفته ای از او را آویزه گوش نکرده باشم. اما گاه از هوشنگ خواهش می کردم سکوت خود را در برابر نارسایی های سیاسی شکسته و شفاف تر سخن بگوید. نمی دانم آیا بیماری مجالش نداد و یا آن که می دانست در آشفته بازار کنونی، معجزه ای برای نجات سیاست نمی توان کرد. شاید هم که به قول دوستی، او ذاتش سالم تر از آن بود که بتواند بی رحمی کشمکش های سیاسی را تاب آورد و ترجیح داد شاعر جهان سیاست باقی بماند و عقلانیت آن را به دیگران وانهد. هر چه بود پیرمرد، چشم ما بود و جهان سیاست در ایران بدون او نازیباتر از همیشه جلوه گر خواهد شد".

در مراسم بزرگداشت هوشنگ کشاورز صدر در استکهلم، همچنین پری  عیسی زاده، خواننده و هنرمند صاحب نام ایرانی مقیم سوئد به همراه افشین خائف، نوازنده پیانو و محمد خالدیان، نوازنده عود شعری از فریدون مشیری را اجرا کردند.

زهوشنگ گفتن نه کاریست خُرد

سخنان علی شاهنده



در مراسم یادبود هوشنگ کشاورز صدر در استکهلم

او یکی از صدیق ترین مبارزان ایرانی و در دوره دانشجویی یکی از فعالان جنبش دانشجویی (عضو کمیته دانشجویان جبهه ملی) بوده و با چهره های مشخص و معروف از جنبش چپ ایران دوستی داشته و در زمان حکومت شاه بارها دستگیر و زندانی شده بود.

هوشنگ کشاورز صدر را بسبب اختلاف سن و تفاوت های عرصه ها و جایگاه ها و صفوف شغلی و تحصیلی و اجتماعی و سیاسی از ایران نمی شناختم و از فعالیت های علمی و بویژه سیاسی او آگاهی نداشتم. در میان امواج توفانی آوارگی بود که قلب هایمان با یکدیگر سخن گفتند و دست هایمان به هم گره خوردند و هر روز استوارتر شدند. چنانکه هر بار سفری به پاریس میکردم دیدار او از انگیزه های مهم من بود و در خانه او به رویم باز. و چنین بود که من با گوشه ها و نکته های بسیاری از پیشینه های تلخ و شیرین زندگی او، و کاراکتر و خصوصیات اخلاقی او بویژه تابوهای ذهنی او آشنا شدم که بیانش ذهن روشن و فرصت بسیار میخواهد و در این فرصت کوتاه و محدودیت توانائی ذهنی و سنی من میسر نیست و ناگزیر تنها به اشاره ای به آنها بسنده میکنم

۱- از جنبه اجتماعی و علمی از مردم شناسان و پژوهشگران برجسته در امور و مسائل عشایری و روستائی ایران بوده که خود: اولاً نشان از توجه و وابستگی ذهنی و عاطفی او به اعماق جامعه و آحاد ملت ایران داشت .

ثانیاً معرف آگاهی بیشتر او از آنچه در اعماق جامعه بر مردم ایران میگذشت و صلاحیت او در تشخیص مشکلات و جستجوی راه های تأمین آسایش و رفاه و امنیت آنها و پیشگیری از دخالت بیگانگان بود و چه بسا در

قرار گرفتن در جایگاه سیاسی و فعالیتهای سیاسی او (که سپس توضیح میدهم) تأثیر و نقش جدی داشت.

۲- شخصا انسانی نجیب، شریف و محبوب و خونگرم و صمیمی و مهربان و بی هیچ تظاهر با تمام وجود دموکرات بود. یکسویه نبود، کینه نمیورزید، همه حسن نیت بود اما از اصول مورد اعتقاد خود عدول نمیکرد. اصول را فدای مصلحت نمیکرد. با مخالف خود دشمن نبود و در برخورد با او در پی یافتن راه توافق بود و در جلسات شاخه های گوناگون جبهه ملی حضور مییافت و از نظریات خود دفاع میکرد، با سازمانها و شاخه های گوناگون چپ دوستی و مهربانی و بحث و گفتگو داشت. همواره میجوشید و میخروشید اما در برخورد با دوز کلک بر می آشت و ناگهان چون شیر میغرید.

در تحمل مشکلات صبور بود. با دل خنین لب خندان داشت حتی در شرایط سخت دو بیماری بزرگ قلب و پروستات شمع انجم بود. چنان زنده دل و چنان صبور که چهره گشاده و خندان او را که میدیدی باور نمیکردی که در آتش بیماری میسوزد و از درد سخت و مداوم بر روی آتش نشسته است. جان و تن او در این کوره میگداخت و که سرانجام تاب از او ربود.

پیشینه های سیاسی

او یکی از صدیق ترین مبارزان ایرانی و در دوره دانشجویی یکی از فعالان جنبش دانشجویی (عضو کمیته دانشجویان جبهه ملی) بوده و با چهره های مشخص و معروف از جنبش چپ ایران دوستی داشته و در زمان حکومت شاه بارها دستگیر و زندانی شده بود. در دوران نهضت ملی به صفوف آن پیوسته و همراه با پیروان مصدق در جبهه ملی در راه تحقق آرمانهای ملی مبارزه کرده بود. در زمان دانشجویی از شاگردان صدیق و ارادتمندان دکتر صدیقی بوده و بهمین سبب با نام موسسه ای که در چهارچوب تحقیقات اجتماعی تحت ریاست دکتر صدیقی تأسیس شده بود چندین سال در بسیاری از نقاط کشور به تحقیق اشتغال ورزید.

تابوهای مهم او

نخستین - حفظ حرمت پناهندگی سیاسی: او حاضر به صرف نظر کردن از این عنوان نبود و معتقد بود که پناهندگی سیاسی هویتی خاص است و وظایفی به آن تعلق میگیرد. و اعتبار تداوم مبارزه را برای بازگشت به وطن همچنان حفظ میکند.

دومین - استقلال ایران: به استقلال و یکپارچگی سرزمین ایران و حاکمیت ملت ایران به سرزمین خود پای بند بود و هراقدام و عملی را که به آن خدشه وارد میکرد اگرچه به عنوان و بهانه «مصلحت» بشدت سرزنش میکرد و روی از آن برمیافت.

سومین - آزادی - در یادداشت او در کتاب « تجربه مصدق درچشم انداز آینده ایران » میخوانیم « سخن برسرآزادی واستقلال و آمیختگی این دوبا هم است . استقلالی که سربه دامن آزادی داردومعنی آن نه منزوی کردن کشورومردم بل قراردادن آن در جایگاه شایسته جهانی آنست . و این امر درحالی میسر است که مردم آزاد باشند و آزادی ضرورتی گردد همچون نیازهای مبرم روزمره آنها»

در برابر توطئه های ضد استقلال و آزادی ایستادگی سخت و بی پروا داشت وابستگی به بیگانگان را تحمل نمیکرد و تاب نمی آورد.

چهارمین - جنبش وانقلاب مشروطیت را پاس میداشت و میکوشید که شعارها و دستآوردهای آن را اگرچه عملا بوسیله نیروهای متجاوز تعطیل شده باشد، از ذهنیت جامعه بیرون نرود و برای خنثا و بی اثر کردن توطئه های مستمر و دروغ پردازیهای دشمنان درونمرز و برونمرز حاکمیت ملت ایران تلاش میکرد. دکتر مصدق و رهبری او را در نهضت ملی همواره بحق میستود و کودتاهای ۱۲۹۹ و مرداد ۱۳۳۲ محصول توطئه بیگانگان وهمدستی دشمنان درونی علیه استقلال وحاکمیت ملت ایران را بحق محکوم میکرد و بویژه تلاشهایی را که عوامل و مهره ها و بهره گیران از آنها برای زدودن لکه ننگ خیانت از پیشانی خود بکار میبردند، با قلم و قدم و به مناسبتها و اشکال گوناگون محکوم میکرد از جمله آنها تشکیل وبرگزاری « کنفرانس تجربه مصدق درچشم انداز آینده ایران » با آقای حمید اکبری ویاری زنده یاد محمودعنایت دردانشگاه شیکاگو به انگیزه بیان عصاره نظریات مصدق بودکه من نیزافتخار شرکت درآن وصحبت درباره « ریشه های اجتماعی وآرمانی لوایح قانونی دولت مصدق » داشتم واز ثمرات آن کنفرانس صدوربیانیه ازسوی فرماندار ایالت ایلینویز به مناسبت پنجاهمین سال حکومت مصدق وتجلیل از او وبرشمردن مشترکات او با مهماتماگاندی ونامگذاری روز دوم ماه مه ۲۰۰۱ میلادی به نام « روزمصدق » ومجموعه ای از سخن رانیها ومقالاتی با نام « تجربه مصدق در چشم انداز آینده ایران » است که با یادداشتی از هوشنگ کشاورز صدر و پیام زنده یاد بدری « شیبانی » شایگان منتشر شده است و همچنین از اقدامات بجا تشکیل جلساتی برای براه انداختن وفعال کردن جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک بود که من نیزازهمراهان آن بودم وگرچه به دلایل گوناگون نتوانست ثمری آنچنانکه انتظارمیرفت بار آورداما دوران کنونی به گمان من دلایل کافی برای لزوم پیگیری تلاش برای اسقرار جمهوری دموکراتیک و لائیک به دست میدهد وچنین باد .

گفتنی بسیار است و فرصت کوتاه. با عرض تسلیت به همسر محترم وارجمند و فرزندان گرامی آن عزیز ازدست رفته سخنان خود را پایان میدهم.

برنامه ای در شیکاگو به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

همگام، در مقابله با خشونت و تبعیض علیه زنان

برنامه ای در شیکاگو به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن
سخنرانی، فیلم، موسیقی، و گفتمان آزاد

مهمانان این برنامه

هایده ترابی:

موانع جنبش زنان در ایران

فاطمه فرهنگخواه:

جنبش زنان، سازمانهای غیر دولتی زنان (NGO)

اداره جلسه: منیژه مرعشی

یکشنبه ۱۰ مارس، ۱:۳۰ بعد از ظهر

کتابخانه اونسون

Orrington Evanston, Il, ۶۰۲۰۱, Tel: ۸۴۷-۴۴۸-۸۶۰۰ ۱۷۰۳

کمیته دفاع از مبارزات مردم در ایران-شیکاگو
اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران-شیکاگو

تلفن تماس برای اطلاعات بیشتر: ۸۴۷ - ۹۷۰ - ۱۵۵۳

استفان هسل درگذشت و ما همه سوگواریم

✖ به گزارش جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر)، استفان هسل، مبارز ضدفاشیست مقاومت فرانسه در جنگ جهانی دوم، مدافع قدیمی حقوق بشر و یار همیشگی «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر» روز ۲۶ فوریه ۲۰۱۳ در گذشت.

استفان هسل در سال ۱۹۴۸ در نگارش اعلامیه جهانی حقوق بشر شرکت داشت و در سال ۲۰۱۰ با کتابچه خود به نام «زمانی برای خشم» الهام بخش جنبش «اشغال وال استریت» و جنبش های مشابه بود.

رئیس فدراسیون، سوهیر بالحسن بیانیه ای در رثای او منتشر کرد.
استفان هسل درگذشت و ما همه سوگواریم

http://www.fidh.org/SHessel-passes-away-12970?var_mode=calcul

۲۷ فوریه ۲۰۱۳

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر یک سفیر فوق العاده، یک دوست، یک پدر، منبع الهام و همراه را از دست داده است.
او تجسم جهانی بودن حقوق بشر بود و همواره و در همه جا در دفاع از این حقوق کوشا بود.

استفان هسل با مقاومت خود در برابر ستم، خشم شدید علیه خودسرانگی، وسواس شدید برای گوش دادن و بحث کردن، آرامش، احساس شاعرانه، انسانیت فوق العاده و، در یک کلام، شخصیت خود اثری عمیق بر اعضای فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر در سراسر جهان گذاشت.

امروز ما با احساس سپاس بی انتها احترام خود را به استفان هسل ابراز می کنیم و یقین داریم که شعله های کوچک وجدان همیشه بیدار او در سراسر این قرن در رقص خواهند بود.

ما یلیم پشتیبانی کامل و مهر عمیق خود را به همسر و دوست او کریستیان و فرزندانش تقدیم کنیم.

از طرف فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر
سوهیر بالحسن

/_____

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

مجلس یادبود

به دعوت همسر و فرزندان زنده یاد امیر هوشنگ کشاورز صدر، مجلس یادبودی از ساعت ۴ تا ۷ عصر روز یکشنبه دهم مارس ۲۰۱۳ برابر با بیستم اسفند ۱۳۹۱ در پاریس برگزار میشود.

زریون (ژیلا)، مازیار، بهاره کشاورز صدر

Hôtel Lutecia

47 bld raspail

75006 Paris

برای حذف استقلال وکیل



افروز مغزی

در لایحه "جامع وکالت رسمی" که توسط قوه قضائیه تهیه شده و هم اکنون در کمیسیون لوایح دولت در حال بررسی است، نهادی با عنوان "سازمان وکلای رسمی" زیر نظر قوه قضائیه به جای کانون وکلا تشکیل خواهد شد. در این نهاد جدید، مرجعی با عنوان "هیأت نظارت" که اعضای آن منصوب رئیس قوه قضائیه هستند، در نظر گرفته شده است که بر تمام امور حیاتی کانون و وکلا از جمله تعیین صلاحیت اعضای هیأت مدیره و وکلا، صحت انتخابات، تعلیق و ابطال پروانه وکلا و حتی اعضای هیأت مدیره، تعیین هیأت های اختصار و غیره نظارت می کنند.

در سالروز استقلال کانون وکلا و در حالی که خطر تصویب "لایحه قانون وکالت" هر روز نزدیک تر می شود، یادآوری ابطال پروانه دو وکیل مرکز امور مشاوران قوه قضائیه، پیامی روشن و آشکار از وضعیتی دارد که می تواند در روزگاری نه چندان دور، وکلای کانون وکلا را نیز تهدید کند. ابطال پروانه دو وکیل مورد اشاره به دلیل دفاع از درویش گنابادی، آشکارا نشان داد که اگر وکیل و نهاد صنفی وکلا به عنوان زیر مجموعه ای از نهادهای قدرت در آیند تا چه حد وکلا در انجام وظایف قانونی شان در دفاع از موکل، آسیب پذیر می شوند.

مرکز مشاوران قوه قضائیه در سال ۱۳۸۱ بر اساس ماده قانون ۱۸۷ برنامه پنجم توسعه به صورت نهادی زیر مجموعه قوه قضائیه و موازی با کانون وکلا آغاز به کار کرد. در طی دوران محدود فعالیت این مرکز، تعداد وکلای آن تقریباً یک و نیم برابر بیش تر از وکلای کانون وکلا بوده است. در ابتدای تشکیل این مجموعه، بسیاری از حقوقدانان و وکلا اعلام کردند که شرط لازم و ضروری وکالت، استقلال از نهاد قدرت است تا وکیل بتواند بدون نگرانی در مورد امنیت شغلی خود از حقوق شهروندان دفاع کند. حال آن که این نهاد، اولین شرط اساسی وکالت را فاقد و حیات شغلی وکیلان خود را در دست قوه قضائیه قرار داده است. با وجود این انتقادات، مرکز مشاوران قضایی به کار خود ادامه داد و هر ساله اقدام به جذب تعداد زیادی کارآموز وکالت کرد.

ابطال پروانه دو وکیل درویش گنابادی اولین نشانه درست بودن انتقادات صورت گرفته به این مرکز بود. پس از سرکوب درویش گنابادی، نوبت به تعقیب و تهدید وکلای آن ها رسید. از بین چهار وکیلی که به دلیل وکالت درویش گنابادی، مورد تعقیب و محکومیت قضایی قرار گرفتند، دو تن از آنها به نام های مصطفی دانشجو و امید بهروزی، عضو مرکز مشاوران قوه قضائیه و دو نفر دیگر به نام های فرشید یداللهی و امیر اسلامی از وکلای عضو کانون وکلای دادگستری بودند. مرکز مشاوران قوه قضائیه در سال ۱۳۸۶ پس از دفاع مصطفی دانشجو و امید بهروزی از درویش گنابادی، در نامه ای ابطال پرونده وکالت آنان را به اطلاعشان رساند. این در حالی بود که دو وکیل دیگر عضو کانون وکلا، با وجود فشار نیروهای امنیتی هنوز حق وکالت دارند.

این در حالی است که بر اساس گفته این دو وکیل مرکز مشاوران قوه قضائیه، هرگز دادگاهی انتظامی در مرکز مشاوران برای آنان تشکیل نشده است تا بتوانند از خود دفاع کنند. همچنین اعتراض آن ها به هیأت اجرایی مرکز امور مشاوران نیز نتیجه ای در پی نداشته است.

پس از آنکه آقای دانشجو دادخواستی در اعتراض به تصمیم مرکز امورمشاوران حقوقی به دیوان عدالت اداری ارائه کرد، با مطالعه پرونده متوجه شد که مرکز مشاوران حقوقی در پاسخ به دادخواست وی در دیوان، اعلام کرده که برابر نامه محرمانه اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد وزارت اطلاعات، وی فاقد صلاحیت برای ادامه اشتغال به وکالت تشخیص داده شده است.

هر چند استقلال کانون وکلا در ایران، معنایی بسیار دور از معنای واقعی خود در اسناد بین المللی و قوانین سایر کشورها دارد ولی همین اندک نیز هنوز این فرصت را به وکلای کانون وکلا می دهد تا آنان بتوانند صدای عدالت خواهی موکل خود باشند. چنانچه در سال های اخیر در اکثر موارد با وجود فشار نهادهای امنیتی، پروانه وکالت وکلای حقوق بشر توسط دادگاه انتظامی کانون های وکلا، ابطال نشده است.

یکی از آخرین این شکایات، مربوط به شکایت دادستان از نسرين ستوده در دادگاه انتظامی کانون وکلا است که تا کنون حکمی علیه ایشان صادر نشده است.

خشم و انزجار مقامات قضایی و دولتی از ناتوانی در ابطال پروانه های وکلای حقوق بشر تا حدی است که در یکی از شکایاتی که شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب از دو وکیل به دادگاه انتظامی کانون ارسال کرده است، رئیس دادگاه با دستخط خود در پایان شکایت، متذکر شده است که "اینجانب از بررسی تخلفات وکلای به اصطلاح حقوق بشری توسط کانون نا امید هستم و اراده ای برای برخورد با تخلفات آنان نمی بینم."

از همین رو نهاد قدرت در حال حاضر برای متوقف کردن استقلال وکیل به دستاویزی جدید، دست زده است و تلاش دارد تا وضعیت حاکم بر مرکز مشاوران قوه قضائیه را تا حد زیادی به کانون وکلا نیز تسری دهد.

در لایحه "جامع وکالت رسمی" که توسط قوه قضائیه تهیه شده و هم اکنون در کمیسیون لوایح دولت در حال بررسی است، نهادی با عنوان "سازمان وکلای رسمی" زیر نظر قوه قضائیه به جای کانون وکلا تشکیل خواهد شد. در این نهاد جدید، مرجعی با عنوان "هیأت نظارت" که اعضای آن منصوب رئیس قوه قضائیه هستند، در نظر گرفته شده است که بر تمام امور حیاتی کانون و وکلا از جمله تعیین صلاحیت اعضای هیأت مدیره و وکلا، صحت انتخابات، تعلیق و ابطال پروانه وکلا و حتی اعضای هیأت مدیره، تعیین هیأت های اختصار و غیره نظارت می کنند.

همچنین طبق ماده ۴۸ این لایحه، اختیار محرومیت و تعلیق از وکالت که در حال حاضر با دادگاه انتظامی وکلا است به دادگاه های عمومی و انقلاب واگذار شده است.

به این ترتیب سرنوشتی چون وکلای مرکز مشاوران قوه قضائیه در انتظار وکلای کانون وکلا هم خواهد بود. در این صورت حق دفاع شهروندان در داشتن وکیلی که با شجاعت و بدون نفوذ قدرتمندان از موکلش دفاع کند، از بین خواهد رفت. برخلاف تصور برخی، این خطر صرفاً محدود به فعالان سیاسی و اجتماعی و وکلای آن ها نخواهد بود بلکه در سایر پرونده های مطرح در دادگاه ها نیز از دعاوی خانوادگی و مالی تا پرونده های کیفری و ثبتی، همواره وکیل باید مراقب باشد تا از سوی قاضی یا افراد دارای نفوذ، مورد تهدید قرار نگیرد؛ چرا که دادگاه ها و سیستم قضایی به راحتی می توانند پروانه وکالت وکیل را ابطال کنند.

بر این اساس همدلی و پشتیبانی وکلا با یکدیگر و حمایت سایر گروه های اجتماعی، صنفی و سیاسی از آن ها تنها راهی است که می تواند از تخریب آخرین سنگر دفاعی شهروندان که حق داشتن وکیلی مستقل است، جلوگیری کند. در این راه افرادی چون مصطفی دانشجو و امید بهروزی الگویی ارزشمند هستند که با تمام وجود برای نشان دادن اهمیت استقلال وکیل تلاش کرده اند. چنانچه مصطفی دانشجو با پیوستن به کمپین استقلال کانون وکلا در سال ۱۳۸۸ در نامه ای به این کمپین نوشت: "یاران با وفا و دوستان عزیزم؛ سوگند یاد کردیم که پاسدار قانون و حریم آن باشیم و شرافت خود را وثیقه آن قرار دادیم. با سکوت خود و حمایت ضمنی از مخالفان قانون، سوگند خویش را از یاد نبریم. بیاییم دست از خویشتن داریها و مصلحت اندیشیهای بلاوجه در دفاع از حریم خود برداریم و بیش از این اجازه تعدی به حیثیت و شرافت وکیل ندهیم. دیروز خوش بینی به فردا، ما را از تلاطم برای احقاق حقوقمان بازداشت و سبک سنگی امروز کانون وکلا در سیستم قضایی نتیجه آن شد."

امروز تمامی وکلای نامبرده شده در این یادداشت، در زندان به سر می برند و آقای دانشجو با وجود بیماری و سپری شدن دوران محکومیت، دوباره با پرونده ای جدید در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب روبرو و از آزادی وی جلوگیری شده است. با این وجود نام آنها برگ زرین افتخار تاریخ حقوق ایران در دفاع از استقلال کانون وکلا و حق دادرسی عادلانه شهروندان در ایران است.

